

---

## مستندسازی قرآنی راهبردهای مزیتی بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی

---

محمد امیری<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

علی آقا صفری<sup>۲</sup>

### چکیده

بیانیه‌ی گام دوم انقلاب به عنوان یک سند راهبردی هم به دستاوردها و افتخاراتی که بر اثر تلاش و سخت‌کوشی‌ها در چلّه‌ی اول انقلاب اسلامی به دست آمده، اشاره دارد و هم به ظرفیت‌های موجود؛ خوش‌بینی‌ها و امیدهای روح‌افزا نسبت به آینده‌ی درخشان و درک درست قوت‌ها، آسیب‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای استراتژی‌ساز. باتوجه به این‌که راهبردهای مزیتی در بیانیه‌ی گام دوم مورد تأکید ویژه قرار گرفته و نقش حیاتی در پیشبرد برنامه‌ها و تحقق اهداف انقلاب اسلامی دارند؛ مستندسازی قرآنی آن، آثار و برکات خاصی را در پی دارد. ضرورت مسئله نگارندگان را برآن داشت با استفاده از روش ترکیبی و بابه‌گیری از ادبیات مدیریت استراتژیک و مطالعه‌ی آموزه‌های وحیانی راهبردهای مزیتی بیانیه را با هدف اکتشافی و برآیند بنیادی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. یافته‌ها و ره‌آورد‌های پژوهش نشان می‌دهد که گزاره‌های وحیانی نیز در حوزه‌ی استراتژی‌های مزیتی، مهم‌ترین‌ها را که

---

\*دانش‌آموخته دکتری قرآن و مدیریت، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه: m.amiri4811@gmail.com

۲. دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه، a.a.safari1364@gmail.com

همانان تبیین بنیان‌ها و صدور ارزش‌ها، تقویت روحیه‌ی استقامت و استکبارستیزی، درک و تحلیل درست ظرفیت‌های مردم سالاری دینی، طراحی سبک زندگی اسلامی، حاکم سازی خط‌مشی‌های درون‌گرا و طرد سیاست‌های برون‌گراست؛ مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: مستندات قرآنی، بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی، راهبردهای مزیتی.

## مقدمه

برای رسیدن به عزت و آزادی و نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی، وظیفه‌ی مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی؛ سرنگونی نظام‌های ستم‌گر با پیروی از رهبر و پیشوای دینی است. اگر ملت مسلمانی تبعیت از رهبر راه‌روی انبیا و پیشوایان آسمانی نکند، هیچ‌گاه طعم شیرین عزت و آزادی را نمی‌چشد ولی این کاستی ملت از رهبر و پیشوا سلب مسؤلیت نمی‌کند. از باب نمونه وقتی امام حسین علیه السلام پرچم قیام را برای نجات مردم از زیر یوغ نظام موروثی اموی و نابودی رژیم سفاک یزیدی، برافراشت؛ یاران معدود با روح بزرگی داشت. آنان با پیروی از ولی خدا تا جان در تن داشتند رزمی دند و به مقام والای شهادت و زندگی جاوید رسیدند؛ ولی مردمی که از پیشوای حق پیروی نکردند هیچ‌گاه طعم شیرین حکومت بر خواسته از نظام نبوی و علوی را نچشیدند. همه ائمه‌ی هدی علیهم السلام بر اساس شرایط و اقتضائات و مصالح کلی اسلام، طرح و برنامه، اقدام و عمل در راستای عزت و آزادی امت، اعتلای حق و افشای باطل داشتند.

در عصر غیبت امام عصر علیه السلام فقها وظیفه‌ی نائیبی آن حضرت را به عهده دارند. امام خمینی علیه السلام که یک فقیه جامع شرایط و آگاه به زمانه بود، با تاسی به ذوات قدسیه ائمه علیهم السلام در چارچوب تئوری ولایت فقیه ملت غیور ایران را علیه نظام ستم‌شاهی برانگیخت و سرانجام انقلاب اسلامی پُرشکوه با رهبری او پس از مبارزه‌های طولانی با نظام موروثی شاهنشاهی که مخالف با ارزش‌های دینی بود؛ در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی به پیروزی رسید. این پیروزی محصول مدیریت خردمندانه امام علیه السلام و مشارکت طبقات مختلف مردم اعم از بازاریان، احزاب سیاسی، روشنفکران، دانشجویان، روحانیون و شخصیت‌های برجسته و متفکر و نیز تسلیم شدن ارتش بود (شهبازی، ۱۳۴۹) در پی این تحولات بنیادی ساختار نظام اسلامی مبتنی بر تئوری ولایت فقیه جایگزین نظام ستم‌شاهی گردید.

از آنجا که انقلاب اسلامی، یک حرکت بدیع در جهت احیایی ارزش‌های دینی در مقیاس ملی و جهانی؛ با ماهیت غیر از ماهیت انقلاب‌های دموکراتیک و پارلماناریستی و

سوسیالیستی است (میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۱)، نظام بر خواسته از آن؛ بر اساس فرهنگ اسلامی، تلاش‌های خداپسندانه و شعارها و مطالبات الهی سامان یافته است.

بر همین مبنا نیروها را بسیج و سازماندهی کرده و می‌کند و حاوی پیام‌های فراوان، فرازمانی و فرامکانی چون عدالت خواهی، آزادی خواهی، معنویت خواهی، پیشرفت خواهی، ستم‌ستیزی و مانند آن است (نادری و پیرانی، ۱۳۹۹، پیاپی ۳۱ / ۳۰۶). بی‌گمان هیچ‌گاه غبار فراموشی بر چهره‌ی نظامی که منشأ آن مردمی‌ترین انقلاب بوده و دارای اهداف متعالی انسانی و اسلامی است؛ نخواهد نشست. شاهد این مدعا جوشش شکوهمند هرساله‌ی آن، بیش از پیش است. این بالندگی و سرزندگی را مدام به نمایش گذاشته و با نفوذ بر قلب‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی، شناسایی فرصت‌ها و آسیب‌های بیرونی؛ افتخارات بزرگ آفریده و پیوسته با تعمیق بخشی‌تئوری نظام بر خواسته از آموزه‌های دینی جهانیان شاهد گسترش قلمرو قدرت آن بوده و به نظر می‌رسد نوید بخش یک تمدن نوین اسلامی است.

برای درک درست مطالب بیان شده، بایست مباحث مطرح در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب که تعیین‌کننده‌ی سیاست‌گذاری‌های کلان نظام است به بررسی گرفته شود. بی‌گمان روح حاکم بر بیانیه‌ی که حاصل عمری تجربه‌ی مدیریتی و رهبری با بصیرت است؛ منطق قرآن است و صدها آیه و روایت معتبر برای مستندسازی مجموعه گزاره‌های آن، می‌توان یافت. نفس بیانیه تأثیرات خاص خودش را دارد ولی به نظر می‌رسد مستندسازی قرآنی مطالب آن، تأثیرگذاریش را بر قلب‌ها، تقویت روحیه‌ی استکبارستیزی، دوری‌گزینی از معیارها و راهبردهای اندیشه‌ی مادی برای تغییر معادلات در مقیاس جهانی بیشتر می‌کند.

با عنایت به این مهم ضروری است که راهبردهای مزیتی و رقابتی مطرح در بیانیه گام دوم از منظر گزاره‌های وحیانی قرآن کریم مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. بنابراین پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که: مستندات قرآنی راهبردهای پیشتازی و رقابتی مطرح در بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟ لازمه‌ی پاسخ به این پرسش و پرسش‌های متفرع از آن این است که به صورت روشمند قوت‌ها و ضعف‌های داخلی و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای

خارجی مطرح در بیانیه به شکل علمی به بررسی گرفته شود.

## ۱. مبانی نظری

در این قسمت از پژوهش، برای رفع ابهام و درک درست چپستی، چرای و چگونگی متغیرهای اساسی؛ واژه‌های کلیدی تعریف و ادبیات دانشی در حد نیاز مرور خواهد شد.

### یک) بیانیه‌ی گام دوم

انقلاب در لغت، به معانی دگرگونی و واژگون کردن و حالی به حالی شدن، چرخش دورانی و مانند آن، آمده است (عیوضی و هراتی، ۱۳۹۴: ۲۸). انقلاب در اصطلاح، به تغییری گفته می‌شود که در نظم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مستقر، تحت تأثیر نیروهای متشکل با هدف ایجاد یک نظام جدید با ایدئولوژی خاص به وقوع می‌پیوندد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۱). انقلاب اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی علیه السلام در چهارچوب تئوری سیاسی اسلام مبتنی بر اصل مترقی ولایت فقیه از اوایل دهه‌ی ۱۳۲۰ با نگارش کتاب «کشف الاسرار» در پاسخ به نقدهای مطرح شده در کتاب «اسرار هزارساله» اثر علی‌اکبر حکمی زاده، آغاز شد ولی اوج‌گیری آن، پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی (۱۳۴۰) و به ویژه از زمانی است که طرح انقلاب سفید در دی‌ماه ۱۳۴۱ از سوی نظام ستم‌شاهی ارائه شد.

امام خمینی علیه السلام علیه آن طرح موضع سریع گرفت و پس از سخنرانی امام علیه السلام، نیروهای نظام طاغوت در فروردین ۱۳۴۲ به مدرسه‌ی فیضیه یورش بردند، مدتی بعد امام علیه السلام را دستگیر و پس از آن؛ قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ واقع شد. فضای فکری که امام علیه السلام به وجود آورده بود رژیم را ترساند و چاره را در تبعید او دید! در نتیجه امام علیه السلام را به ترکیه، عراق و «نوفل لوشاتو» تبعید کردند. تبعیدها سودی به حال رژیم طاغوت نداشت؛ زیرا امام علیه السلام هرگز از پای ننشت، همواره از بیرون مرزها ملت مبارز و انقلابی را با ارسال نامه‌ها و اعلامیه‌ها طرح و برنامه می‌داد؛ تا این‌که در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و انقلاب اسلامی که مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است؛ به پیروزی نهایی، تدوین قانون اساسی و نظام‌سازی رسید. بر

اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از وظایف رهبری تعیین سیاست‌گذاری‌های کلی نظام است و مبتنی بر همین اصل، در آغاز چله‌ی دوم انقلاب پُرشکوه، رهبرفرزانه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بیانیه‌ای دادند که بیانگر نقشه‌ی راه و تعیین‌کننده‌ی راهبردهای کلان برای برنامه‌ریزی، امید و نشاط بخشی، خوش بینی، ایمان به خدا و باور به توانایی‌های ملت، نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات حال و دورنمای آینده است.

### دو) راهبردها

این‌که راهبرد چیست؟ برای یافتن پاسخ آن، در سال ۱۹۹۶ بورتر و گروه «هاروارد» بررسی‌هایی را انجام دادند (روقاس، ۲۰۰۷: ۶) یافته‌های آنان و مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که پاسخ به این پرسش بسیار متنوع و پردامنه است و در اینجا از دو منظر بدان اشاره می‌شود. از نگاه نظامی، راهبرد به معنای «هنر برنامه‌ریزی و هدایت عملیات» معرفی شده است. بر اساس دیدگاه هنری مینتزربرگ که یکی از اندیشمندان شهیر دانش مدیریت است برای «راهبرد» پنج معنا مدنظر است: راهبرد به‌عنوان طرح<sup>۱</sup>، راهبرد به‌عنوان تمهید<sup>۲</sup>، راهبرد به‌عنوان الگو<sup>۳</sup>، راهبرد به‌عنوان وضعیت<sup>۴</sup>، راهبرد به‌عنوان دیدگاه<sup>۵</sup> (غفاریان و عماد زاده، ۱۳۸۵: ۴۱). بنابراین برای راهبرد معانی زیادی مطرح است ولی در کل مرتبط با طرح، وضعیت، برنامه‌ریزی و دیدگاه، اصول، روش‌ها و موازینی هستند که سازمان و نظام با توجه به مؤلفه‌های داخلی و خارجی در پیش می‌گیرد تا بر اساس موقعیت منحصربه‌فرد در بازار با مزیت رقابتی به اهداف استراتژیک خود دست‌یابند (امیری، ۱۳۹۶: ۶۴). استراتژی‌ها از جهت، کلان، اساسی، خاص و وظیفه‌ای قابل دسته‌بندی بوده و راهبردهای مربوط به (SO) و (WO) و (ST) و (WT) از چگونگی ترکیب قوت‌ها و ضعف‌ها با فرصت‌ها و تهدیدها

- 
1. Plan.
  2. Ploy.
  3. Patern.
  4. Position.
  5. Perspective.

حاصل می‌شوند.

### الف) فرصت‌ها

فرصت، یک موقعیت مطلوب عمده در محیط سازمان است (پیرس و رایینسون ۱۳۸۹: ۳۰۷). بنابراین فرصت‌ها، شرایط و موقعیت‌های مناسب برای اقدام و انجام کار جهت رسیدن به اهداف هستند، به‌عنوان مثال شناسایی بخش‌های ناشناخته یا تغییر در شرایط رقابت یا مقررات، تغییرات فناوری و بهبود روابط و... نشان‌دهنده‌ی روندهای کلیدی در محیط یا منبع فرصت‌های احتمالی برای نظام و سازمان است.

### ب) تهدیدها

تهدید، یک موقعیت نامطلوب عمده در محیط سازمان است (پیرس و رایینسون، ۱۳۸۹: ۳۰۷). بنابراین تهدیدها، شرایط و وضعیت‌های نابسامان؛ اما مهم در محیط‌اند که موانع اساسی برای وضعیت جاری یا آینده مورد نظر ایجاد می‌کنند. به‌عنوان مثال ورود رقبای جدید، افزایش قدرت چانه‌زنی رقبا، تغییرات مهم فناوارانه و مقررات می‌توانند نشان‌دهنده‌ی تهدیدهای مهمی برای موفقیت آینده‌ی نظام و سازمان باشند (امیری، ۱۳۹۶: ۶۱-۶۳).

### ج) قوت‌ها

قوت، منبع، مهارت یا مزیت و شایستگی متمایز نظام و سازمان نسبت به رقبا و نیازهای بازارهایی مربوط به فعالیت است. بنابراین قوت‌ها، بیانگر وجود یک منبع، مهارت و یا مزیت نسبت به رقبا و یا پیش‌بینی رخدادهاست. قوت‌ها نشان‌دهنده‌ی این هستند که نظام و سازمان در مقایسه با رقبا یا نیازها در بازار از یک مزیت یا صلاحیت ممتاز و برتری برخوردار است (جان ای و ریچارد بی، ۱۳۸۳: ۱۵۷).

### د) ضعف‌ها

ضعف، یک محدودیت یا کمبود در منابع، مهارت‌ها و توانایی‌های است که مانع

اساسی عملکرد اثربخش است (پیرس و رایبسنون، ۱۳۸۹: ۳۰۸). بنابراین ضعف‌ها یا محدودیت‌ها، نشان دهنده‌ی عدم کارایی در استفاده از منابع، مهارت‌ها و توانایی‌های است که موانعی جدی برای عملکرد موفقیت‌آمیز یک نظام و سازمان در بازار رقابت ایجاد می‌کنند. ضعف‌های یک نظام و سازمان در فقدان تسهیلات، منابع مالی، توانایی‌های مدیریت و مهارت‌ها بروز و ظهور می‌یابند (امیری، ۱۳۹۶: ۶۲).

#### ۵) راهبرد مزیتی

منظور از راهبرد مزیتی (SO) این است که نظام و سازمان در بهترین وضعیت قرار دارد و می‌تواند با استفاده از توانایی‌ها یا نقاط قوت داخلی اقدامات اساسی مانند: بهره‌برداری از فرصت‌های خارجی، برطرف کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات خارجی را به عمل آورد. (پیرس و رایبسنون ۱۳۸۹: ۳۱۰؛ دیوید، ۱۳۹۰: ۳۷۰؛ حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۳۳۰).

#### ۲. پیشینه‌ی پژوهش

از آنجاکه ارزش علمی پژوهش مرتبط با آگاهی از تحقیقات پیشین و بیان درجه‌ی اهمیت و تمایز آن است. در جدول (۲) عصاره‌ی از پژوهش‌های درخوری که در مدت انتشار بیانیه گام دوم تا کنون منتشر شده و پژوهشگران بدان‌ها دست یافته‌اند، ارائه می‌گردد.



جدول شماره ۲: پژوهش‌های پیشین

ردیف	عنوان	نویسنده	سال	مکان
۱	انقلاب در گام دوم	اخوان، محمدجواد	۱۳۹۸	ماهنامه برهان اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی، ۴ (۲۱) ۳۸-۳۰. است.
۲	عصر جدید (خوانشی از مفاهیم و راهبردهای بیانیه گام دوم)	میرباقری، سید محمد مهدی	۱۳۹۸، قم، فرهنگستان علوم اسلامی.	نویسنده در ذیل سرفصل‌های میراث گذشته انقلاب، راهبردهای در بیانیه، جایگاه راهبردی بیانیه و الزامات تحقق آن، و مبانی سازماندهی امت وسط مطالب از منظر بیانیه مباحث را باروش توصیفی-تحلیلی به بررسی گرفته است.
۳	نسبت سنجی الگوی پایه‌ی اسلامی ایران پیشرفته در بیانیه	غمامی، سیدمحمد مهدی	۱۳۹۷، کیهان فرهنگی، ۳۵ (۳۸۶) ۶۸.	در این اثر تلاش شده باروش توصیفی-تحلیلی حاکمیت بیانیه بر اسناد دیگر از جمله الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت و میزان تأثیرگذاری بیانیه در بازنگری خط‌مشی‌ها و لزوم توجه بر ملاحظات و ملزومات آن در سیاست‌های کلی نظام تبیین گردد.
۴	چراییانیه‌ی گام دوم مهم است؟	فضائلی، مهدی	۱۳۹۷، نام‌ی شورا، ۹ (۱۲۷)	نویسنده برای پاسخ به پرسش طرح شده، اهمیت مرجع صدور، مقطع

۳۷. صدور، مخاطبان، محتوا و مضامین راهبردی بیانیه را با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی گرفته است.
۵. راهبردهای پیشرو نادری، مهدی و شهره پیرانی در پساچهل سالگی انقلاب (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب)
۶. استقلال و عزت ملی: پایه‌ی سیاست خارجی ایران (تحلیلی بر بیانیه گام دوم انقلاب)
۷. مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی قرائتی، محسن در این اثر، مستندات قرآنی بعضی از جملات بیانیه گام دوم در قالب ۳۲ عنوان، از جمله: توجه به تاریخ گذشته، نوآوری‌ها، استقلال، آزادی، تقابل اسلام و استکبار، نعمت‌های خاص، عزت، عدالت، نقش جوانان، دستاوردهای نظام اسلامی، توجه به تفاوت‌ها و ظرفیت‌ها، رعایت اولویت‌ها، اقتصاد هدفمند، هویت، معنویت، پاک دستی و... بیان شده است
۱۳۹۹. پژوهشگران با روش تحلیل محتوی کیفی و کاربست تکنیک سیستمی سوات (SWOT) چهار نوع راهبرد حاصل از ترکیب قوت‌ها و ضعف‌های داخلی، فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی را در بیانیه گام دوم به تحلیل و تبیین گرفته‌اند.
۱۳۹۸. در این اثر تلاش دشده با روش توصیفی - تحلیلی سیاست خارجی ایران بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب از دو جهت تحلیل و تبیین شود. پژوهشگر از سوی عملکرد چهل ساله پس از انقلاب و از سوی دیگر لوزم آینده نگری و توجه به قوت‌ها، استقلال و عزت ملی را مبتنی بر بیانیه به بررسی گرفته است.
۱۳۹۸. ماهنامه صف، ۳۹ (۴۵۸) ۱۳ - ۱۲.
۱۳۹۸. تهران، ستاد اقامه نماز، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که تا کنون تفسیر و تحلیل‌های متعددی از جایگاه، الزامات، نوآوری‌ها، مقیاس‌ها، مقایسه‌ها، راهبردها و تبیین بایسته‌ی بیانیه گام دوم انقلاب صورت گرفته و به نظر می‌رسد هرکدام در فهم دالّ و هسته‌ی مرکزی و اهداف بیانیه از روزنه‌ای دارای اهمیت است. با دقت علمی می‌توان گفت این پژوهش‌ها دو دسته‌اند: یک دسته آثار، بیانیه‌ی گام دوم را به صورت عام به تحلیل و تبیین گرفتند و دسته‌ی دیگر، مسئله یا مسائل خاصی را مورد مطالعه و به بررسی قرار داده‌اند. در حال آنچه اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر را نشان می‌دهد این است که در این جستار متفاوت با آثار پیشین مسئله‌ی خاصی از بیانیه‌ی گام دوم «راهبردهای مزیتی و رقابتی» از منظر قرآن کریم با رویکرد مدیریتی به بررسی گرفته شده است.

### ۳. روش تحقیق

از آنجا که روش‌شناسی حاصل مبانی و منابع است و مفروض بنیادی در پژوهش حاضر این است که بیانیه‌ی گام دوم، بر اساس آموزه‌های اسلامی برای چلّی دوم انقلاب؛ نقشه‌ی راه آینده را ترسیم و سیاست‌گذاری‌های کلی نظام را تعیین کرده است، روش منتخب ترکیبی است بدین معنا که از حیث داده کیفی؛ از جهت هدف اکتشافی و برحسب برآیند بنیادی است. با عنایت بر مبنای بنیادی و منبع پایه‌ای، مشخص شد که پژوهش از لحاظ شیوه‌ی گردآوری داده‌ها و تحلیل اطلاعات در زمره‌ی تحقیقات اکتشافی قرار دارد؛ زیرا درصدد کشف راهبردهای مطرح در بیانیه و مستندسازی قرآنی آنهاست و برحسب ماهیت مبتنی بر نظریه‌پردازی با روش ترکیبی و کاربست شیوه‌ی استنباطی است.

### ۴. تجزیه و تحلیل راهبردهای مزیتی

از آنجا که راهبردهای مزیتی در بردارنده‌ی استراتژی‌ها تهاجمی (SO) و اهرم‌های نفوذ یعنی بهره‌گیری از قوت‌های داخلی (S) و فرصت‌های خارجی (O) است، مطالعات و

داده‌های حاصل شده به این رهنمونند که مهم‌ترین راهبردهای مزیتی مطرح در بیانیه گام دوم استراتژی‌های ذیل می‌باشند:

#### ۱.۴) صدور انقلاب اسلامی

راهبرد صدور انقلاب در دو سطح «خرد و کلان» قابل طرح و بررسی است. آنچه بدان در این پژوهش پرداخته می‌شود رویکرد کلان است. به نظر می‌رسد یکی از راهبردهای مهم مزیتی مطرح در بیانیه و دیگر فرمایشات رهبری، این راهبرد اساسی است. رهبری در این زمینه در بیانیه پس از شمارش بخش‌های از دستاوردها و محصول چهل‌ساله‌ی انقلاب می‌فرمایند: «این‌ها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید».

ایشان در بخش‌های پایانی بیانیه (توصیه‌ی ششم) با عنایت به این مهم در باره‌ی عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن می‌فرمایند: «این سه شاخص‌هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌های است که تحقق یافته و یا در آستانه‌ی ظهورند. تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گرش همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن، در سراسر جهان...» بخش‌های از مظاهر عزت نظام اسلامی است که سردمداران نظام سلطه را نگران ساخته و بایست توجه به مرزبندی با دولت‌های خدعه‌گر برای حفظ ارزش‌ها و عدم عقب نشینی از هراس تهدیدهای پوچ آن‌ها داشت و به شکل حکیمانه و مصلحت‌جویانه از موضع انقلابی، مسائل و مشکلات را حل کرد.

مطالعات سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی مطرح در بیانیه گام دوم و توجه دادن به ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و امید بخشی و نگاه خوش بینانه به آینده از جمله نکات ظرفیتی

است که در حوزه‌ی راهبرد صدور انقلاب مطرح شده است نیز در دیگر بیانات رهبر فرزانه معنای صدور انقلاب به روشنی بیان شده است. از جمله ایشان می‌فرمایند: «مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مانند عطر گل‌های بهاری است؛ هیچ کس نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد؛ پنخش می‌شود، همه‌جا می‌رود، نسیم روح‌افزا و روانبخشی است که همه‌جا را به خودی خود می‌گیرد» (امام خامنه‌ای بیانات، در دیدار اعضای بسیج مستضعفین ۹/۶/۱۳۹۳ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۸۳۴۴>).

در فرمایش دیگر دارند: «هدف این نیست که انقلاب را به شکل متعارف در عرف و قاموس سیاسی به این کشور و آن کشور صادر کنیم؛ انقلاب چیزی نیست که با ابزارهای سیاسی صادر کرد و با ابزارهای نظامی و امنیتی بشود آن را پیش برد؛ این غلط است و ما از اول این راه را بستیم. مسئله، مسئله‌ی بازتولید معارف والای اسلامی است، تا مسلمانان احساس هویت کنند... با تعالیم نجات بخش اسلام آشنا شوند و بدانند که معانی این‌که خداوند متعال می‌فرماید: ما پیامبران را فرستادیم تا بارهای سنگین، و زنجیرهایی بسته برپاها در محیط شرک آلود و بارهای سنگین بردوش که قرآن مطرح کرده است «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف، ۱۵۷) چیست؟ و چگونه می‌توان این بارهای سنگین و زنجیره‌های جهل، بی‌خبری و... که بردوش عقل و جان آنان است، برداشت (امام خامنه‌ای بیانات در دیدار غیر ایرانی حوزه علمیه قم، ۳/۸/۱۳۸۹ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۰۴۳۲>).

مقام معظم رهبر مبتنی بر همین مبنا می‌فرمایند: «دستگاه‌های استعماری عالم، نظام اسلامی را به صدور انقلاب منسوب می‌کنند. اگر صدور انقلاب به معنای صدور مواد منفجره و ایجاد جنجال و اغتشاش در میان ملت‌ها و کشورهای دیگر باشد این تهمت از دامان جمهوری اسلامی بکلی دور است. صادر کردن شر و فساد، متعلق به آمریکا و دستگاه‌های جاسوسی و مخرب نظام‌های استکباری است... صدور انقلاب ما به معنای صدور فرهنگ قرآنی و انسان‌ساز اسلام است» (بیانات در دیدار میهمانان خارجی مراسم

چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (قدّس سرّه الشّریف) ۱۳۶۸ / ۴ / ۲۲ : <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۱۴۰>،

با عنایت به مطالب بیان شده و بارمعنای راهبردهای مزیتی که مرتبط با ابزارهای نفوذ و بهره‌گیری مطلوب از قوت‌ها و فرصت‌ها است می‌توان گفت: راهبرد صدور انقلاب از مزیت‌های است که هم در بیانیه گام دوم و هم در مجموعه‌ی منظومه‌ی فکری مقام معظم رهبری مبنی بر اندیشه‌ی توحیدی و آموزه‌های وحیانی در کانون توجه قرار گرفته است. این راهبرد پرمزیت نظام‌های استعماری و استکباری را ترسانده و برای بی‌اثرکردن آن، تهمت‌های را با شیوه‌های مختلف به نظام اسلامی زده و همواره می‌خواهند نور صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی را با گفتارهای باطل و تبلیغات بی‌پایه خاموش کنند ولی از آنجا که صدور انقلاب به معنای صدور فرهنگ قرآنی و انسان‌ساز اسلام است، بی‌گمان هرگز نمی‌تواند راه جهان‌گیرشدن آن را ببندند و به یاری خداوند متعال این نور بیش از پیش پرفروغ‌ترشده و دامنه‌اش گسترده‌تر؛ تا جهان را فراگیرد و تمام جهانیان از پرتو آن بهره‌گیرند؛ هر چند این به خوشایند دشمنان حق و حقیقت نباشد. در این زمینه می‌توان از آیه‌ی: «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَآ أَن يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه، ۳۲) بهره‌گرفت. در این آیه، آئین خدا و تعالیم اسلام به نور و روشنایی تشبیه شده و مشخص است که نور سرچشمه حیات و جنبش و نمو و آبادی در روی زمین و منشا هرگونه زیبایی است. از آنجا که پایه و اساس انقلاب اسلامی آموزه‌های والای وحیانی است برای آزدگان عالم سرچشمه‌ی خیر و برکت و انگیزه بخش و تحرك آفرین در مسیر تکامل‌ها است. آیه‌ی بیان شده به روشنی می‌رساند که طرح‌ها و تلاش‌های دشمنان ارزش‌های قرآنی به دمیدن و فوت کردن با دهان می‌ماند و چه قدر مضحك است که انسان نور عظیمی همچون نور آفتاب را بخواهد با پف کردن خاموش کند! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹ / ۳۶). به نظر می‌رسد برای مجسم‌سازی ناکامی دشمنان نظام اسلامی و بی‌تأثیری تلاش‌های حقیرانه‌ی آنها برای جلوگیری از صدور آموزه‌های وحیانی و ارزش‌های انسانی، تعبیری از این رساتر نیست؛ زیرا به روشنی بیان

می‌دارد که طرح و تلاش مخلوق ناتوان در برابر اراده‌ی خدای سبحان بسیار ناچیز است.

#### ۲.۴- تقویت راهبرد استقامت

راهبرد صدور انقلاب در سطح کلان مدنظر است و بر اساس آن راهبرد تقویت روحیه‌ی ایستادگی و حمایت از نهضت‌های مقاومت اسلامی و استکبارستیزی شکل می‌گیرد. این راهبرد که ریشه‌ی قرآنی دارد، به‌عنوان یک راهبرد مزیتی هم در بیانیه و هم در دیگر فرمایشات رهبری مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. در این حوزه برای آگاهی بخشی نیروهای حزب‌اللهی و انقلابی به اهداف، برنامه‌ها و راهبردهای مقابله با نظام سلطه، به شکل کلی در منظومه‌ی فکری رهبری و به صورت خاص در بیانیه نکات مهمی وجود دارد. از باب نمونه ایشان می‌فرمایند: «ملت عزیز ایران باید همتشان این باشد که قوی بشوند» این گزاره هم از مطالب بیانیه که مرتبط با شعارهای درخشان جهانی و فطری و همیشه‌زنده‌ی نظریه‌ی نظام انقلابی است، استفاده می‌شود و هم بارها از ناحیه‌ی رهبری برای حمایت از مظلومان و ایجاد تحول بنیادی در جهان مطرح شده است. ایشان به صورت خاص در خطبه‌های نماز جمعه ۲۷ دی ماه ۱۳۹۸ در فرمایشاتی که به نوعی جمع‌بندی کلان ناظر به وظایف عموم مردم و مسئولین است؛ فرمودند: «باید ملت ایران و مسئولین کشور تلاششان برای قوی شدن کشور و قوی شدن ملت باشد، با اتحاد، با حضور، با صبر و استقامت و با کار سخت و پرهیز از تنبلی. اگر این محقق شد، به توفیق و فضل الهی، ملت ایران در آینده‌ی نه چندان دوری آنچنان خواهد شد که دشمنان حتی جرئت تهدید هم پیدا نکنند» و در این زمینه در بیانیه می‌فرمایند: «به‌رغم همه مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روز به روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت... نماد پُراپتیت و باشگوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زروگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روز به روز برجسته‌تر شد» در ادامه این مطالب برای تقویت روحیه و راهبرد استقامت و پاسداری از عزت و داشتن روحیه‌ی تسلیم‌ناپذیری برای صیانت از ارزش‌ها و انقلاب و گردن بر افراشتن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر و قدرت‌های

انحصارگرجهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمالکردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود، می‌دانند؛ می‌فرمایند آنان خود اعتراف دارند که در مقابل نیروهای انقلابی ناتوانند. به صورت کلی فرمایشات رهبری در بیانیه به این رهنمون است که ایستادگی روزافزون نیروهای انسانی مستعید و کارآمد و با زیر بنیای عمیق ایمانی محوری‌ترین ظرفیت امید بخش به پیروزی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و نهاده‌ساز نظام پیشرفته‌ی اسلامی در مقیاس کلان است. ارشادات او حاکی از آن است که برای رسیدن به قدرت مؤلفه‌ها و عناصر مادی و معنوی به صورت توأمان نقش دارند و لازمه‌ی دستیابی به عزت و ارتقای اقتدار، ایستادگی موثر در مقابل دشمنی‌ها و توطئه‌هاست.

بی‌گمان کسی که آگاهی به گزاره‌های دینی داشته باشد به خوبی می‌یابد که این مطالب الهام گرفته از آیات قرآن است. در آموزه‌های قرآنی به مسئله‌ی تقویت و ارتقای روحیه‌ی مقاومت اهتمام خاص شده و رهبرفرزانه نیز مبتنی بر مبانی قرآنی از مراکز علمی خواسته در این حوزه کار علمی و تحقیقات کنند. مطالعات قرآنی نشان می‌دهد که واژه‌ی «استقامت» در مجموع در نه آیه و هفت سوره با الفاظ پنجگانه: و «اَسْتَقِمْ» (شوری، ۱۵) و «اَسْتَقَامُوا» (توبه، ۷، فصلت، ۳۰، حَقَاف، ۱۳، جن، ۱۶) و «یَسْتَقِیْمُ» (تکویر، ۲۸) و «فَأَسْتَقِیْمُوا» (یونس، ۸۹) و «فَأَسْتَقِیْمُوا» (توبه، ۷، فصلت، ۶) ذکر شده است. استقامت از باب استفعال است و دلالت بر طلب قیام به صورت ارادی یا طبیعی و یا عملی دارد و از آیات: «فَأَسْتَقِمْ کَمَا أُمِرْتَ»، «ثُمَّ اسْتَقَامُوا»، «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ»، این معانی حاصل می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۳۴۳) و یافته‌های تفسیری حاکی از آن است که استقامت به معنای استمرار داشتن در جهت واحد به گونه‌ای است که نه به سمت راست عدول کند، و نه به سمت چپ (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۷۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۰۳). به نظر می‌رسد با نگرش ژرف اندیشانه می‌توان گفت آموزه‌های وحیانی به تنوع مفهومی واژه‌ی «استقامت» رهنمونند و در اینجا به مهم‌ترین‌ها که مربوط به راهبرد مقاومت است، اشاره



می‌شود:

#### ۴.۳- پیمان پایی

در قرآن کریم بر لزوم ایفای عهد دو جانبه تأکید شده است. در یکی از آیات، در آغاز سخن از عدم وثوق مشرکین و عدم پایبندی آنان به عهدشان چنین آمده است: «كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ.» (توبه، ۷)، «چگونه مشرکان را نزد خدا و نزد فرستاده او عهدی تواند بود؟» و در ادامه‌ی آیه گروهی را استثنا کرده و می‌فرماید تا وقتی طرف مقابل بر سر عهد وفادارند، اهل ایمان نیز بایست پایدار برعهد با آنان باشند «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ.» (توبه، ۷). این آیه بیانگر پایداری در استمرار عهد مسلمین در مقابل دسته خاصی از مشرکین است و به خوبی می‌رساند که نبایست از دشمنان اسلام با آن همه اعمال و رفتار و کارهای خلافشان، انتظار پایبندی به تعهداتشان را داشت و آنان نیز انتظار وفاداری به پیمان‌ها را از جانب مسلمان بطور یک‌جانبه نداشته باشند. چنان‌که در آیه‌ی دیگر به این رهنمون است که اگر طرف مقابل عهد و سوگند خود را پس از پیمان شکستند و شما را در دینتان طعن زدند، بر شماست که با پیشوایان منکر حق بجنگید، چرا که آنان را هیچ پیمانی نیست، باشد که از پیمان شکنی بازایستند «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (توبه، ۱۲) در این آیه تجویز مبارزه و مقابله با دشمنان حق برای آن است شاید با دیدن شدت عمل و این‌که راه بازگشت به روی آنها بازاست از عهدشکنی دست بردارند و به رفتارهای مرتبط با نقض پیمان‌ها پایان دهند «ينتَهُونَ عن نكث الأيمان و نقض العهود» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۱۵۹).

این آیات به خوبی می‌رسانند که با استقامت می‌توان هیمنه‌ی واهمه از پیکار با دشمن را از بین برد. برای تقویت روحیه‌ی مقاومت با عنایت به فنون بلاغت یعنی بیان مطالب پر اهمیت با تعبیرات گوناگون هم در آیات و هم در فرمایشات رهبری نکته‌سنجی‌های فنی یافت می‌شود و به نظر می‌رسد راز آن این است که با این فنون درصدد ترویج و نهادینه سازی

نگرش استقامت و ضربه‌ی نهایی وارد سازی بر پیکر استکبار و آگاهی بخشی از رفتار آنان برای بیدار سازی اهل ایمان برای تقویت روحیه‌ی استکبارستیزی تا برچیدن آثارشوم استعمار و و پیامدهای ناگوار آن است. هم در آموزه‌های وحیانی و هم در فرمایشات رهبری مطالب انگیزه بخش برای مسلمانان جهت دور سازی هرگونه سستی و ترس و تردید در این حوزه با طرح این پرسش که چرا عهد و پیمان آنان کمترین ارزشی ندارد؟ پاسخ قرآن این است که چون: «إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» یعنی درست است که آنها ایمان ندارند و لی نکته‌ی کلیدی‌ترین در این حوزه آن است که آنان به پیمانی که می‌بندند پایبند نیستند و این با تجربه نقض کردن مکرر از سوی دشمنان حق ثابت شده و لهذا آمادگی برای نقض پیمان خود در آینده نیز دارند و از این جهت پیمانشان اعتبار و ارزشی نخواهد داشت. با عنایت به ظرافت‌های که در آیات و نیز فرمایشات رهبری در باب پیمان‌پای وجود دارد به این می‌رسیم که واژه‌ها و کلمه‌های فشرده و پرمغزی که در منظومه‌ی کفری رهبری و به صوت خاص در متن بیانیه کنارهم قرار گرفته‌اند، برگرفته از آیات کلام وحی است.

#### ۴.۴-) پایداری بر رسالت ایمانی و وجدانی

در باره‌ی پافشاری و ایستادگی بر رسالت ایمانی و توجه به خردناب که نیروی درونی برای تشخیص خوب از بد و عامل مراقبت از انحراف و زاویه پیدانکردن با حق می‌باشد، سخن بسیار است. در این حوزه چه عوامل درونی و برونی زیادی نقش آفرین است که هم در آیات قرآن و هم در فرمایشات رهبری مرتبط با آن، مطالب ظریف زیادی یافت می‌شود ولی جای طرح مستوفی آن نیست و لهذا در اینجا از باب نمونه به چند مهم اشاره خواهد شد. به نظر می‌رسد یکی از آیاتی که به روشنی آموزه‌های آن تأکید بر پایداری بر رسالت ایمانی و تبعیت از نظام توحیدی و اهتمام مستمر بر تبیین و تبلیغ و ترویج امور مرتبط با خرد، با مقاومت در برابر سرکشان و ستم‌گران دارد، این آیه است: «فَدُّ أُجَيْبَتْ دَعْوَتُكُمْ فَأَسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.» (یونس، ۸۹)، «دعای هر دوی شما پذیرفته شد. پس ایستادگی کنید و راه کسانی را که نمی‌دانند پیروی مکنید.» این آیه در باره حضرت موسی و

حضرت هارون علیه السلام است. پیام محوری آن این است که وقتی آن پیشوایان آسمانی مأموریت به هدایت فرعون یافتند، بر اساس رسالت خویش با برنامه‌ی حساب شده اقدام و عمل نمودند ولی پس از آن که نه سخن نرم ولین آنان که به فرعون گفتند: «هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزْكِيَ» (نازعات، ۱۸)، «آیا سر آن داری که به پاکیزگی گرایی» و نه معجزات متعدد یعنی هیچ یک از طرح، اقدام و عمل‌های آن مدیران و پیشوایان حق کمترین تأثیری در تحول فرعون نیاورد! و او همچون گذشته به استکبار و استعلا طلبی و استمرار طرح گمراه سازی مردم، ادامه داد و گفت: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَىٰ» (نازعات، ۲۴). حضرت موسی علیه السلام محو اموال و عذاب فرعون و پیروانش را خواست و فرمود: «پروردگارا، تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده‌ای، تا خلق را از راه تو گمراه کنند، پروردگارا، اموالشان را نابود کن.» «... إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا... رَبَّنَا اظْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ...» (یونس، ۸۸) و حضرت هارون علیه السلام برای اجابت دعای او آمین گفت. احادیث و نکات تفسیری حاکی از آن است که دارای هایشان تبدیل به سنگ شد «صارت أموالهم حجارة.» (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۴۲۳) و سرانجام با نصرت الهی پیروان حضرت موسی علیه السلام نجات یافته و نظارگر گرفتاری فرعون و پیروانش و غرق شدن آنان در دریای عذاب بودند «فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (بقره، ۵۰) به هر حال غرض این‌که پایداری و استواری بر ترویج مستمر انجام مأموریت دینی و هماهنگی و همراهی با حق و صدای وجدان برای عدم تجاوز از راه مستقیم و بی‌توجهی به تمایلات ستمکاران یکی از راهبردهای اساسی برای پیشبرد اهداف نظام اسلامی است و به پاره‌ی از مهم‌ترین مستندات قرآنی آن، اشاره رفت. در اینجا لازم است به متن و محتوای این آیه نیز دقت داشته شود: «فَأَسْتَقِيمُ كَمَا أُمِرْتُ» (هود، ۱۱۲)، «پس، همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن» یافته‌های تفسیری حاکی از آن است که آیاتی که تأکید بر استقامت دارند هم به عنوان دل‌داری و تسلی خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله هم برای بیان وظایف و مسئولیت او نازل شده‌اند. به نظر می‌رسد یکی از نتایج مهمی که از شرح داستان‌های اقوام پیشین گرفته می‌شود این است که پیامبر و به تبعیت از او مؤمنان راستین از انبوه دشمنان

نهراسند و در شکست دشمن ستمگری که با آن روبرو هستند شك و تردیدی به خود راه ندهند و به امدادهای الهی مطمئن باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۵۴). در این زمینه فرمایشات رهبری بسیار است، از باب نمونه می‌فرمایند: «استقامت در قرآن به معنای ایستادگی کردن، ادامه دادن، راه را دنبال کردن و متوقف نشدن است (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» ۱۳۹۰ / ۱۱ / ۱۰ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18877>) و می‌فرمایند معنای مقابل استقامت «طغیان» است، «طغیان، یعنی سرکشی، منحرف شدن.» (۱۳۸۹ / ۳ / ۱۴) و در جای دیگر می‌فرمایند: «هنگامی که ملتی راهی را آغاز می‌کنند، رسیدن به نتایج، احتیاج دارد به استقامت در آن راه، به پیشرفت در آن راه، به متوقف نشدن میان راه» (بیانات در اجتماع مردم کنگاور، ۱۳۹۰ / ۷ / ۲۷ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1390727>)

#### ۵.۴- ثبات قدم در انجام مأموریت

مطالعات قرآنی نشان می‌دهد در باره‌ی این مفهوم از استقامت که بیانگر اهتمام به استمرار انجام مأموریت است از آیات زیادی می‌توان بهره‌گرفت ولی به نظر می‌رسد از کلیدی‌ترین آیات این آیه است: «فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» (شوری، ۱۵)، مشخص است که این ایستادگی و استواری در انجام مأموریت با اموری هماهنگ است. گزاره‌های کلام وحی نشان می‌دهد که مهم‌ترین امور دعوت نمودن انسان‌ها به سوی آیین واحد الهی است چنانکه خداوند به پیامبر دستور می‌دهد: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران، ۶۴) و هم‌چنین ورهانیدن مردم از اختلافات است «فَلِذَلِكَ فَادْعُ» و نیز عدم تبعیت از نظام هواها و هوس‌های نفسانی است «وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ هُمْ» و هم‌چنین آیتی که بیانگر وظایف ایمانی و درخواست رهبری به راه راست است «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه، ۶) و آیات: «مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آل عمران، ۱۰۱) «هرکس به خدا تمسک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است.»

جستارها بیانگر آن است که در این حوزه هم در آیات کلام وحی و هم در فرمایشات رهبری سخن بسیار است. از باب نمونه به جان مایه‌ی یکی از فرمایشات رهبری که مبتنی بر همین آیات است اشاره می‌گردد. ایشان می‌فرمایند: «استقیم در قرآن، به معنای ثبات ورزیدن در راه حق و تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار نگرفتن است» (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع هیئت‌های دانشجویی در روز اربعین حسینی، ۱۸ / ۸ / ۱۳۹۶ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۸۱۴>).

لازم به ذکر است که نگاه عمیق به مفهوم استقامت در همین بیان و بطورت کلی در اندیشه‌ی قرآنی رهبری که رهنمون به سرای سلامت و جهت دهنده به سوی اندیشه‌ی درست و بهره‌برداری بایسته از سرمایه‌ی مقاومت در راه راست و نیز منشأ ایستادگی یعنی شرح صدر و نقش تعیین‌کننده‌ی آن در اقدام و عمل مبتنی بر مبانی دینی و اهتمام‌ورزی به توسعه‌ی متوازن و ثبات قدم در مسیر حق؛ نیازمند یک مقاله‌ی علمی مستقل است.

#### ۵.۴) طراحی سبک زندگی اسلامی

رهبری در توصیه‌ی هفتم که آخرین سفارش مطرح در بیانیه است، می‌فرماید: «در باره‌ی سبک زندگی سخن بسیار است و آن را به فرصتی دیگر وا می‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله‌ی با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد و چشم امید در آن به جوانهاست» بنابراین طراحی سبک زندگی اسلامی از دیگر راهبردهای مزیتی است که در بیانیه بدان اشاره شده و مطالعات در آثار و بیانات رهبری به این رهنمون است که در منظومه‌ی فکری امام خامنه‌ای در باره‌ی سبک زندگی اسلامی بر دو محور و موضوع توجه و تأکید اکید شده است که بطور خلاصه بدانها پرداخته می‌شود.

## الف) نظام خانواده

در این حوزه در مجموعه‌ی پنج‌جلدی تحت عنوان «نقش و رسالت زن» که برگرفته از بیانات رهبری است نکات ظریف و دقیق زیاد وجود دارد، ازباب نمونه ایشان می‌فرمایند: «خانواده بهترین منتقل‌کننده‌ی فرآوده‌های فکری به نسل‌های بعدی است» (نقش و رسالت زن، ۱۳۹۳، ج ۳/ ۹۴).

با عنایت به این مطلب می‌توان گفت نقش خانواده در طراحی سبک زندگی اسلامی بسیار پررنگ است. فرمایشات ایشان مبتنی بر آموزه‌های وحیانی حاکی از آن است که اصرار خداوند بر ازدواج و ناخشنودی او از مرد و زن تنها این را می‌رساند که این مهم از جهتی سری از اسرار آفرینش و سبب آرامش و فراهم‌سازی محیط سالم و تسهیل‌کننده‌ی سیر در مسیر فطرت و مصلحت بشر در فضای ایمانی و صداقت و پاک‌دامنی است و از سوی دیگر نیاز اساسی و سنت نبوی است.

ایشان در مناسبت‌های مربوط به ازدواج در تبیین آیه‌ی: «مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱)، «از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام‌گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد.» و آیه‌ی: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف/ ۱۸۹)، «اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام‌گیرد» می‌فرمایند: «یسکن یعنی چه؟ یعنی ما در زندگی تلاطم‌ها و اضطراب‌هایی داریم که گاهی انسان را از جا می‌کند. وقتی زن احساس می‌کند شوهرش همراهش است و به او تکیه دارد؛ و وقتی شوهر احساس می‌کند که زنش همراهش است و در هاله‌ی محبت او قرار گرفته، این تلاطم‌ها تبدیل به آرامش می‌شود و این همان سکن است» (نقش و رسالت زن، ۱۳۹۳، ج ۳/ ۱۳۵).

چنانکه اشاره شد در فرمایشات رهبری در این حوزه سخن بسیار است که مجال پرداختن به آنها به صورت مبسوط نیست ولی در کلی‌ترین شکل می‌توان گفت دیدگاه

رهبری در این خصوص بر محور راه‌های نهادینه سازی ارزش‌های واقعی توجه به نقش محوری زنان در حوزه عواطف و حفظ کانون گرم خانواده است و همچنین در باره چگونگی مطلوبیت حضور بانوان در مسئولیت‌های اجتماعی و اجر زحمات روحی و عاطفی زنان با استناد به حدیث: «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۰) می‌فرمایند: «زن گل زندگی است نه مباشر و کارگرخانه... قهرمان، یعنی همین کارپرداز امروز زندگی است. این زن کارپرداز زندگی شما نیست که همه کارهای زندگی‌تان را روی دوش او بگذارید و بعد هم او را مؤاخذه کنید، نه! این یک گُلی است در دست شماست، حتی اگر دانشمند یا سیاست‌مدار باشد، در بحث معاشرت خانوادگی، او گل است» (۱۳۷۹/۱۶).

از منظر مقام معظم رهبری خانواده از پایه‌های اساسی راهبرد سبک زندگی اسلامی و دارای تأثیرات محسوس و تعیین‌کننده‌ی در تقویت روحیه و نفوذ عاطفی است. ایشان تأکید بر این دارند که در نظام اسلامی در باره‌ی شغل زنان و امور مربوط به کانون گرم خانواده و این‌که زن پایه‌ی مهم زندگی و واحد بنیادین اجتماع و شرط لازم برای پیشرفت مبتنی بر آموزه‌های دینی است، توصیه‌های اکید بر اهتمام تشکیل خانواده سالم دارند چه این‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «الْإِنْسَانُ مَعَادِنٌ وَالْعِرْقُ دَسَائِسٌ وَادَبُ الشُّوْءِ كَعِرْقِ الشُّوْءِ» (پاینده، ۱۳۶۳: ۷۸۸)، «مردم، همانند معدن‌ها مختلف اند و اصل و نسب در انسان بسیار مؤثر است و تربیت بد، همانند اصل و نسب بد است» با عنایت به این گزاره‌ها رهبری تبیین نقش خانواده سالم در تربیت معنوی، فکری و روانی بشر، بر پایه‌ی حاکمیت دین تأکید دارند و آن را موجب گسترش عفت، عزت، بالندگی و ترویج روش زندگی سالم و فراهم سازنده‌ی بستر خیر و برکت و بهره‌گیری مطلوب از التذاذات معنوی و عاطفی در مقابل تلاطم نه در مقابل حرکت می‌دانند (نقش و رسالت زن، ۱۳۹۳، ج ۳).

### ب) رفتار مدیران و مسئولان نظام اجتماعی

بی‌گمان شیوه‌ی زندگی مدیران و مسئولین نظام نقش تعیین‌کننده در طراحی سبک

زندگی مردم دارد. در باره‌ی جایگاه تأثیر گذاری آن، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «مردم، به دولتمردان خود شبیه ترند تا به پدرانشان»، «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۸) و در بیان دیگر می‌فرمایند: «النَّاسُ بِزَمَانِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۶۶)، «مردم به زمان خود شبیه ترند تا به پدران خود» با عنایت به این دو بیان در جای دیگر می‌فرمایند: «هرگاه درستکاری بر روزگار و مردمش حاکم شود و در چنین زمانی کسی به دیگری بی‌آن که گناهی از او آشکار شود، گمان بد ببرد، ظلم کرده است و هرگاه فساد بر روزگار و مردم آن حاکم شود و کسی به دیگری خوشبین باشد، خود را فریب داده است» «إِذَا اسْتَوْلَى الصَّلَاحُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَهْلِهِ نُمَّ...» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۴). اساس همین آموزه‌های دینی در فرمایشات رهبری در باره‌ی سبک زندگی مدیران و مسئولین نظام تأکید بر ساده زیستی و اهتمام بر هم‌رنگ با مردم بودن و این‌که تلاش و همت‌شان رفع نیازهای مردم باشد، شده است.

یافته‌ی مطالعاتی و مشاهداتی حاکی از آن است دسته‌ای از مدیران اخلاق دارند؛ اما بهره‌ای درک درست شرایط و اقتضائات زمان خویش ندارند. برخی از این جهت بهره‌ی لازم را ندارند ولی اخلاق ندارند و بعضی هیچ‌یکی از آن دو را ندارند ولی کسانی هستند که هم رفتار مطلوب دارند و هم بهره‌مند از علم و شرایط و اقتضائات زمان خویشند و بدیهی است که این‌ها بهترین مدیران و مسئولان نظام دینی می‌توانند باشند؛ زیرا از سوی فرزانه‌ی خود ساخته‌ی دور از هوا و هوس‌اند و از جهت دیگر عالم به زمانه بوده با هوشمندی ایفای نقش داشته و به وظایف خویش و اقتضائات و طرح دشمن آگاه است. از این رو نه عبادت او را متظاهر و متکبر می‌کند و نه عالمی است که خواهان حرکت دیگران پشت سرش کورکورانه باشد و از او تعریف و تمجید کنند. چنین مدیران و مسئولانی عاقلان دوران و حق شناس حق‌پویانی هستند که از همت و تلاششان در راستای برپاداری حق و رهایی از زیر یوغ نظام سلطه است.

بی‌گمان چنین افرادی کلید خیر و قفل شرند «مَفَاتِيحُ لِلْخَيْرِ مَعَالِيْقُ لِلشَّرِّ» (پاینده،



۱۳۶۳، ۳۴۰).

شایان ذکر است از باب اینکه به فرموده‌ی امام علی علیه السلام مردم سه گروهند: دانشمند خداشناس، دانش جوی در راه رستگاری و فرومایگان بی‌اراده و سرگردان که هر دعوتی را اجابت می‌کنند و به هر طرف که باد بیاید به همانطرف می‌روند، از نور دانش روشنایی نمی‌گیرند و به پایگاه محکمی پناه نمی‌برند. "الْإِنْسَانُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَهَمَّجٌ زَعَاغٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ" (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۴۷) و این‌که قرآن تفاوت میان جایگاه افراد و تسلط برخی افراد بر دیگران را فعل الهی معرفی کرده و می‌فرماید: «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا» (زخرف، ۳۲)، «ما معیشت مردم را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده و با هم تعاون نمایند.» از این به خوبی استفاده می‌شود که خداوند در زندگی دنیا، ارزش مردم (اعم از مادی و معنوی) را میان آنان تقسیم کرده و جایگاه‌های متفاوتی به افراد بر اساس ظرفیت و قابلیت داده تا برخی بر بعضی دیگر مدیریت و نقش هدایت‌گری داشته باشند. بدیهی است که لازمه‌ی این مهم ایجاد نظام تبعیت است و به دنبال این فعل الهی، مجموعه‌هایی بر اساس تبعیت در اراده ایجاد می‌شود و مدیریت مصداق پیدا می‌کند.

رهبری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی برای مدیران و مسئولین نظام اسلامی در بیات خود شاخص‌های را بیان کرده است که ترسیم‌کننده‌ی سیما و رفتار است و در اینجا به مهم‌ترین‌ها اشاره می‌شود.

ایشان در فرمایشات خود به ویژه در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری شاخص‌های نامزد اصلح را بیان کرده و می‌کنند و در اینجا به مهم‌ترین‌ها اشاره می‌شود. جان مایه‌ی فرمایشات ایشان در این است که: انتخاب هم یک حق است و هم یک وظیفه و بایست در انتخاب اصلح توجه شود به کار اجرایی بلد بودن و توانایی کشیدن بار سنگین اداره مملکت»

(امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم قم، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۹۲ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۴۹۴>) همه ما دارای نقاط قوت و نقاط ضعف هستیم، در انتخاب به نقاط قوت امروز، منهای نقاط ضعف موجود توجه شود (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم مشهد در حرم رضوی، ۱ / ۱ / ۱۳۹۲ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۳۳۳>) توانایی مدیریت اجرائی کشور را داشته باشد، معتقد به قانون اساسی و دارای روحیه مقاوم در برابر دشمنان باشد، با برنامه، باتدبیر و با حکمت و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی داشته باشد.... مهذب به اخلاق باشد، به حاشیه‌ها نپردازد و وعده بی‌مبنا ندهد (بیانات در دیدار کارگران و بخش تولیدی کشور، ۷ / ۲ / ۱۳۹۲ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۳۹۵>) تدین، تعهد، آمادگی و توانایی انجام کار بزرگ مدیریت عالی اجرائی کشور را داشته باشد... کاری، مردمی، مقاوم، ارزشی، باتدبیر و قانون‌مدار باشد و درد مردم را حس کند (بیانات در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات کشور، ۱۶ / ۲ / ۱۳۹۲ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۴۹۴>)

این فرمایشات و دیگر بیانات ایشان در این حوزه به این رهنمون است که کشور بایست بر اساس قانون و نظام تبعیت اداره شود؛ زیرا راه‌گریزی از آن نیست ولی بایست قانون حاکم در انتخاب‌ها و اجراها قانون الهی باشد نه بشری چون قانون حاکم در کشور الهی است نه الحادی که در آن انتخاب از سر هوا و هوس و «اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (جائیه، ۲۳) است. این انتخاب چه در باره‌ی انتخاب رئیس‌جمهور باشد یا نمایندگان یا وضع قانون از سوی آنان معیارهای بیان شده بایست در هر سطحی در حد امکان در قانون توجه قرارگیرد. نکته مهم آنکه توجه به این معیارها و منویات در هر سطحی می‌تواند بستر شایسته سالاری و فضای نقد و بررسی منصفانه و اخلاقی و سفارش‌های خداپسندانه و دلسوزانه را فراهم سازد.

روشن است که این مسئله ارتباط عمیق با بحث معرفت دارد و در این خصوص در منظومه‌ی فکری رهبر و به صورت خاص در توصیه‌ها بیانیه‌ی اتمام ویژه به ارتقای سطح

فرهنگ قرآنی، حضور فعال و پرثمر در مساجد، مردم پایه بودن گسترش اخلاق و معنویت شده و به نظر می‌رسد برای نهادینه سازی این راهبرد در میان اقشار مختلف مردم بایست مدیران و مسئولان نظام به مباحث مانند ساده زیستی، اهتمام به فرهنگ کارجمعی و مقیدسازی مدیران اجرای و کارگزاران و مدیران فرهنگی و گروه‌های مرجع به سبک زندگی اسلامی را در کانون توجه قرار دهند.

واقعیت‌های موجود حاکی از آن است که بسیاری از مدیران و مسئولان سطح کلان جامعه اسلامی از داشتن سبک زندگی مبتنی بر این مبانی و معیارها به معنای واقعی کلمه دورند و در بیانیه نیز به این مهم اشاره رفته است. این درحالی است که شکل‌گیری سبک زندگی سالم در حوزه‌های گوناگون فردی و اجتماعی، یکی از اهداف و آرمانهای اصلی انقلاب اسلامی بوده است. علی‌رغم تلاش‌های انجام شده در طول چهل سال عمر انقلاب، تحقق این هدف دچار چالش شده و متأسفانه جامعه کنونی به علت تأثیرپذیری از فرهنگ غرب از یکسو و تحت تأثیر زندگی قبل از انقلاب اسلامی از سوی دیگر، نتوانسته است میان باورهای اصیل اسلامی و سبک زندگی خود در حوزه‌های گوناگون ارتباطی عمیق و تنگاتنگ ایجاد کند و از این جهت در جامعه ایران تاکنون نتوانسته‌اند به شکل مطلوب از میوه‌های ارزشمند عقاید و باورهای دینی خویش در عرصه رفتار و سبک زندگی بهره‌ی لازم گرفته شود.

#### ۴. ۶- ظرفیت‌های الگوی مردم سالاری دینی

الگوی مردم سالاری دینی یکی از راهبردهای مزیتی مدنظر در بیانیه گام دوم برای اداره‌ی مطلوب جهان معاصر است و در بیانیه گام دوم انقلاب که يك میثاق پرمایه‌ی مبتنی بر سنت‌های الهی است، در این حوزه گزاره‌های پرمغزی وجود دارد. اهتمام به اجرا و تعهد به آن موجب وارد شدن به آستانه‌های پیشرفت و کمال است. به هر حال مسئله‌ی مردم سالاری از اموری است که در بیانیه فصلی را به خود اختصاص داده و تأکید بر تکیه کردن بر مردم به عنوان حاصل و عامل تغییر شده و از این لحاظ بایسته است نظر رهبری را جویاشد؛ زیرا در فرمایشات ۱۳۷۸ هنگامی که مراحل پنجگانه انقلاب را نام بردند فرمودند: «ما در مرحله‌ی

دولت اسلامی هستیم و بعد جامعه اسلامی و... اما در این بیانیه بحث دولت اسلامی وزنی ندارد و مستقیم مخاطب مردم و به ویژه جوانان هستند.

از این رو مردم سالاری دینی مربوط به چگونگی حکومت داری و مدیریت جامعه در سطح کلان است و لازمه‌ی آن عمل به قوانین است. قوانین یا منبعث از قانون الهی اند یا بشری و الحادی! به این معنا که قانون بشری منهای دین چیزی جز الحادی نیست. البته ممکن است کسی یا کسانی بگویند مردم سالاری همان دموکراسی غربی است و ترکیب دین با آن وصله‌ی ناجور است چون آموزه‌های قرآنی به این رهنمونند که «اکثریت» آراء به کسی یا نگرشی ملاک بر حقانیت و انتخاب درست نیست، کما این که «اقلیت» نیز دلیلی بر حقانیت نیست.

درواقع از نظر اسلام مشروعیت به جعل و نصب الهی است نه حاکمی که مردم انتخاب یا انتصاب کرده‌اند. برآیند این نگرش آن است که استدلال‌های در حوزه‌ی مردم سالاری دینی چوبین و سست است. از منظر دیگر هستند کسانی که اصرار دارند در هر قانونی که به مسئله‌ی عدالت و اخلاق و حقوق بشر و آزادی‌های مطلوب و شایسته سالاری تأکید و الزام شده است، آن قانون عقلانی و اسلامی است. این نگرش‌ها مبانی و مفروضاتی دارند که مجال طرح نیست و آنچه در اینجا مدنظر از مردم سالاری دینی است، اینکه منشاء قدرت و مشروعیت و قوانین در همه حوزه‌ها قانون الهی باشد؛ زیرا از سوی تنها او عدالت آفرین و آزادی بخش است و از سوی دیگر ثابت شده است که قوانین بشری منهای دین، نه تنها مشکل گشا نیستند که گاه مشکل آفرینند. این که آزادی مطلوب چیست؟ عدالت چیست؟ حقوق بشر چیست و برای چیست؟ در قوانین موضوعه‌ی بشری در عرصه‌ی عمل شاهدیم و می‌بنیم که برای برخی راه نفس کشیدن را گرفته‌اند.

باتوجه به شواهد عینی نقد و نقص‌های یافته‌ها بشری در این حوزه می‌توان گفت اساس ترین مشکل بشر کنونی عدم تمکین بر قوانین ماوراء طبعیت و پیروی آن از هوا و هوس و به فرموده‌ی قرآن از افرادی است که هوای نفس را معبود خویش ساخته‌اند «مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»

(فرقان، ۴۳).

بدین جهت کسانی که چنین بینش و نگرش داشته باشند قانون وضع شده آن‌ها الحادی و پراز کاستی است. اینجاست که بحث انواع نظام‌ها مطرح به این معنا که اگر حکومت استبدادی باشد قانون آن همان رأی و نظر حاکم یا حزب حاکم است و رئیس حکومت از سوی نمایندگان انتخاب شود، قانون از سوی مجلسی تصویب می‌شود و این همان دموکراسی مردمی است نه دموکراسی دینی؛ اما اگر قانون حاکم بر ملت قانون الهی بود «کما هو الحق» آن وقت این آشکالی دارد که به چند شکل و چند صورت ممکن است قانون الهی پیاده شود. آنچه در پژوهش مدنظر است پیاده سازی قانون الهی بر مبنای ولایت فقیه است.

جان مایه کلام از این نگاه آن است که پیامبر ﷺ در مدینه نظامی تأسیس کرد و حکومتی ایجاد کرد که نه نظام فردی دیکتاتوری بود، نه نظام شاهنشاهی و نه نظام حزبی و نه نظام مردم سالاری عادی که دین در آن نقش نداشته باشد.

در نظام نبوی حکومت مبتنی بر آموزه‌های وحیانی است و پس از پیامبر حق ولایت از آن ائمه معصومین ﷺ است و در عصر غیبت از آن نمایندگان عام ولیعصر ﷺ و در عصر ما این نوع حکومت در نظام ولایت فقیه مجسم شده است. با توجه به این‌که در زمان حیات پیامبر آن حضرت عهده دار نظام بود و به فرموده‌ی قرآن به پیروان از خودشان سزاوارتر و نزدیکتر بود «الَّتِیْ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب، ۶) روشن است که وقتی به مؤمنین اولی است، نسبت به غیرمؤمنین؛ بطریق اولی سزاوارتر است! چرا؟ برای اینکه پیامبر و پیشوای از جانب خدا برای هدایت بشر است و در باره‌ی سعادت آن حریص و نسبت به مؤمنان به صورت خاص دلسوز مهربان است: «رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸) یعنی او هم مصلحت را حکیمانه و بهتر می‌داند و از آن معصومانه آگاه است و هم معصومانه اجرا می‌کند. وقتی کسی معصومانه مصلحت يك ملت را می‌فهمد و معصومانه اجرا می‌کند، این یقیناً اولی نسبت به خو آنهاست و به

نظر می‌رسد این اولویت تعیینی است نه تفضیلی.

#### ۴. ۶-۱) حاکم سازی سیاست‌های تحقق بخش اهداف انقلاب

برای حرکت به سوی حاکم سازی سیاست‌های دورنگرا نکته‌ی محوری موجود در بیانیه گام دوم، توجه به مسئله‌ی خودآگاهی و خودشناسی فردی و ملی است. بایست درک درست از انسان شایسته و باعزم، مؤمن، انقلابی و با همت جهادی داشت تا در راستای چگونگی تأمین اهداف برنامه و عمل داشت.

مقام معظم رهبری تأکید بر این دارند که با دو عامل هدف تأمین می‌شود: یک عامل انتخابات گرم پرشور است، مردم زیاد با شور و شوق شرکت کنند، بیایند پای صندوقها. دوم اینکه این انتخابات منتهی شود به انتخاب یک انسان شایسته‌ی وارسته‌ی باعزم مؤمن انقلابی با همت جهادی.

با این دو اصل، مقصود ملت ایران حاصل می‌شود. ایشان در باره حصول مقصود دشمن می‌فرمایند: مقصود دشمن با این حاصل می‌شود که انتخابات اولاً سرد برگزار شود؛ مردم بی‌رغبت باشند، عده‌ی کمی شرکت کنند، یک عده‌ای بگویند: آقا چرا شرکت کنیم؟ فایده‌اش چیست؟ ما نمی‌خواهیم بیائیم. اینها دشمن را خوشحال می‌کند. ثانیاً نتیجه‌ای که از صندوق‌ها بیرون می‌آید، نتیجه‌ای باشد که دولت را، به تبع دولت، ملت را به سمت وابستگی بیشتر، به سمت تبعیت بیشتر، به سمت قرارگرفتن در سیاست‌های دشمنان قرار دهد؛ دشمن این را میخواهد. ایشان تأکید بر شناخت سیاست‌های دشمن و خنثی سازی برنامه‌های آن و حاکم سازی سیاست‌های درون‌گرا دارند (۱۳۹۲/۲/۲۵) و راه رسیدن به آن، انتخاب اصلاح است؛ زیرا اصلاح همت بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدف‌های انقلاب دارد.

رهبری شاخص‌های را در این خصوص بیان فرمودند که به مناسبت در پاره‌های پیشین به برخی از آنها اشاره شد از جمله توانایی مدیریت اجرایی، باور به قانون اساسی و داشتن روحیه مقاومت در برابر دشمنان و اهتمام به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و همچنین

مسئله‌ی خود ساختگی، تدین، تعهد و مردمی بودن است (۱۳۹۲ / ۲ / ۱۶) فرمایش دیگر رهبری حاکی از آن است که انتخاب اصلح نه فقط در طول چهار و پنج سال که گاهی در طول ده‌ها سال تأثیراتش باقی می‌ماند و لهذا بایست در باره‌ی انتخاب شایسته فکر کرد و باید معیارها را شناخت و سرانجام می‌فرمایند: «اجمالاً معیار اصلی این است که کسانی سرکار بیایند که هم‌شان بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدف‌های انقلاب باشد. آنچه ما در این سال‌های طولانی از خیرات و برکات به دست آورده‌ایم، به برکت هدف‌های انقلاب بوده است؛ هر جایی که ما کم آوردیم، عقب ماندیم، شکست خوردیم، به خاطر غفلت از هدف‌های انقلاب اسلامی و هدف‌های اسلامی بوده است. کسانی سرکار بیایند که مصداق: «انَّ الَّذِينَ اِنَّ الدِّينَ اِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت، ۳۰) باشند، اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند؛ زهی پولادین از یاد خدا و از توکل به خدا بر تن خودشان بی‌پوشند و وارد میدان شوند» (۱۳۹۲ / ۲ / ۲۵)

#### ۴. ۶- ۲- ) طرد سیاست‌های وابستگی

به نظر می‌رسد یکی از مباحث مهم در این حوزه مسئله‌ی درک و طرد درست سیاست‌های بیرون‌گراست و رهبری نیز به این مهم در بیانیه اشاره نموده و از فرمایشات مربوط به سیاست‌های ناظر به حمایت بیرونی و استکباری از دستگاه و افکار عمومی حاصل می‌شود. ایشان در یکی از بیاناتشان در این باره این چنین تحلیل می‌فرمایند: «هدف دشمن معلوم است، او می‌خواهد از نقاط قوت‌مان صرف‌نظر کنیم تا بر ما مسلط شود؛ از عناصر اقتدار ملی خودمان دست برداریم تا راحت‌تر بتواند بر کشور ما، بر ملت ما، بر سرنویشت ما و آینده‌ی ما مسلط بشود؛ یک چنین فکری را آنها کرده‌اند» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم به مناسبت رحلت مردم، ۱۴ / ۳ / ۱۳۹۷) - <https://farsi.khamenei.ir/speech-39796content?id=>

مقام معظم رهبری به خوبی پرده از برنامه‌های دشمن و هدف نهایی آن برداشته است؛ اما با این وجود بازهم مشاهده می‌شود که متأسفانه برخی از رجال سیاسی و نقش آفرین

خواسته یا نخواستہ همسوی با سیاست‌های نظام سلطه داشته و دارند. باتوجه به خطر و تهدید جدی این نوع همراهی‌ها و هزینه‌های سنگینی که نظام بابت آن مجبور است که متحمل شود رهبری در دیگر از بیانات خویش به پیامدها و تبعات این نوع همراهی اشاره نموده و می‌فرماید: «هدف آنها این است که کشور را به سمت وابستگی، به سمت ضعف، به سمت عقب‌ماندگی در صحنه‌های گوناگون حرکت دهند یعنی دو تا هدف در مقابل هم قرار دارد: هدف ملت ایران، هدف جبهه‌ی دشمنان.» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۲۵ / ۲ / ۱۳۹۲ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۹۲/۲/۲۵>)، بعد ایشان راهکار اصلی جهت خنثی‌سازی و رهایی از تحقق اهداف دشمن می‌فرمایند این است که: «ما باید خودمان کارهای خودمان را منظم و مرتب کنیم. کسی را انتخاب کنیم که برای عزت ملی، برای باز کردن گره مشکلات، برای ایستادگی قدرتمندانه و عزتمندانه در مقابل جبهه‌ی معاندان، و برای الگو کردن جمهوری اسلامی در چشم مستضعفان عالم، بیشتر و بهتر تلاش کند.» (امام خامنه ای، بیانات در دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۶ / ۳ / ۱۳۹۲ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۷۰۸>).

### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش معلوم می‌دارد که مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم، به خوبی نقشه‌ی راه رشد و تعالی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم نموده و راهبردهای کلان، برای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، امید و نشاط‌بخشی، چگونگی استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی و خنثی‌سازی تهدیدهای بیرونی و بهره‌گیری از فرصت‌ها و نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات حال و دورنمایی آینده را تبیین و تشریح نموده است. بر پایه‌ی داده‌های جمع‌آوری شده مشخص شد که برجسته‌ترین مزیت‌های راهبردی که مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم مورد تأکید قرار داده است برگرفته از گزاره‌های سپه‌روحیانی و اهتمام به تحقق بخشی طرح و برنامه‌ها و اهداف متعالی پیامبران، به خصوص پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام بوده است. براین اساس مزیت‌های که ایشان در بیانیه گام دوم با استناد



به قرآن کریم اشاره نموده‌اند تضمین‌کننده تعالی و تکامل و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران در تمام عرصه‌ها (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، عبادی و...) است. ایشان وقتی مسئله صدور انقلاب را مطرح می‌کنند می‌فرمایند صدور انقلاب به معنای صدور مواد منفجره و ایجاد جنجال و اغتشاش در میان ملت‌ها نیست؛ بلکه به معنای صدور فرهنگ قرآنی و انسان‌ساز و برداشتن زنجیرهای بسته برپاهای ملت‌های مظلوم توسط نظام‌های استکباری است. وقتی سخن از تقویت راهبرد استقامت می‌گویند مرادشان با استناد به آیات مختلف قرآن کریم پیمان‌پایی، پایداری بر رسالت جهانی ایمانی و وجدانی و ثبات قدم در انجام مأموریت و ایستادگی و تسلیم‌ناپذیری در برابر دولت‌های متکبر و مستکبر و قدرت‌های انحصارگر جهان است. وقتی به مسئله طراحی سبک زندگی اسلامی تأکید می‌کنند، دغدغه‌شان حفاظت و حراست از کانون مقدس نظام خانواده و سازگاری رفتار مدیران و مسئولان نظام اجتماعی با آموزه‌های دین اسلام است. تأکید به این مسئله در دنیای پرتلاطم امروز که در بسیاری از جوامع نهاد خانواده متلاشی و سبک زندگی الحادی و مادی پرستی گسترش پیدا کرده است می‌تواند تعیین و ترسیم‌کننده نقشه راه حیاتی طیبه در زندگی فردی و اجتماعی باشد. همچنین وقتی ظرفیت‌های الگوی مردم‌سالاری دینی را با بهره‌گیری از کلام وحی تشریح می‌فرمایند مرادشان این است که مردم‌سالاری دینی مربوط به چگونگی حکومت‌داری و مدیریت جامعه در سطح کلان با التزام و پیروی از قوانین شریعت اسلام است. از این‌رو در منظومه فکری رهبری، نظام فردی دیکتاتوری، نظام شاهنشاهی، نظام حزبی، نظام مردم‌سالاری منفصل از دین و منقطع از وحی هیچ جایگاهی ندارد. افزون بر این راهبردهای مزیتی یادشده مسئله حاکم‌سازی سیاست‌های تحقق‌بخش اهداف کلان انقلاب و طرد سیاست‌های وابستگی از دیگر تأکیدات و تأییدات ایشان در بیانیه گام دوم با هدف ایجاد روحیه خودباوری و عزتمندی در پرتو قدرت ایمان و الگو نشان دادن نظام جمهوری اسلامی ایران در چشم مستضعفان برای ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های معاندان و مستکبران جهان است.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی چا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.
۴. میری، محمد، ۱۳۹۶، مدیریت راهبردی حضرت یوسف و حضرت موسی علیهم السلام در قرآن، پایان نامه‌ی ارش، قم، المصطفی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی (راهنما عباس شفیعی).
۵. بیانات رهبری، ۱۳۶۸ / ۴ / ۲۲؛ در دیدار مهمانان خارجی مراسم چلمین روز ارتحال امام خمینی.
۶. بیانات رهبری، ۱۳۶۸ / ۴ / ۱۹؛ در دیدار اقشار مختلف مردم.
۷. بیانات رهبری، ۱۳۷۹ / ۶ / ۳۰، در دیدار با بانوان.
۸. بیانات رهبری، ۱۳۹۲ / ۱ / ۱، در حرم مطهر رضوی.
۹. بیانات رهبری، ۱۳۹۲ / ۲ / ۷، در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور.
۱۰. بیانات رهبری، ۱۳۹۲ / ۲ / ۱۶، در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات.
۱۱. بیانات رهبری، ۱۳۹۲ / ۲ / ۲۵، در دیدار اقشار مختلف مردم.
۱۲. بیانات رهبری، ۱۳۹۲ / ۳ / ۶، در دانشگاه امام حسین علیه السلام.
۱۳. بیانات رهبری، ۱۳۹۳ / ۹ / ۶، در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین.
۱۴. بیانات رهبری، ۱۳۸۹ / ۸ / ۳، در دیدار با طلاب غیر ایرانی در قم.
۱۵. پایگاه اینترنتی Khamenei.ir، متن بیانیه و برخی بیانات رهبری از این آدرس در یافت شده است.
۱۶. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۶۳، نهج الفصاحة، تهران، دنیای دانش.
۱۷. پیرس، جان ای، ریچارد بی رابینسون، ۱۳۸۳، مدیریت راهبردی، ترجمه محمود حسینی، تهران، دانشگاه شاهد.
۱۸. پیرس، جان ای و ریچارد بی رابینسون، ۱۳۸۹، مدیریت راهبردی، ترجمه سید محمود حسینی تهران؛ سازمان سمت.
۱۹. دیوید، فرد آر، ۱۳۹۰، مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.

۲۰. حسن بیگی، ابراهیم، ۱۳۹۰ مدیریت راهبردی، تهران، سازمان سمت.
۲۱. شهبازی، عبدالله (۱۳۴۹). ظهور و سقوط پهلوی، تهران، اطلاعات و مؤسسه مطالعات سیاسی.
۲۲. نادری، مهدی و شهره پیرانی، ۱۳۹۹، راهبردهای پشرو در پسا چلسالگی انقلاب اسلامی، دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال ۱۶، پیاپی ۳۱، ش ۱ سال ۱۳۹۹ صفحات ۳۰۵-۳۲۸.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین.
۲۶. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. میرباقری، سید محمد مهدی، ۱۳۹۸، عصر جدید (خوانشی از مفاهیم و راهبردهای بیانیه گام دوم)، قم، فرهنگستان علوم اسلامی، چاپ پنجم.
۲۹. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳، نقش و رسالت زن (برگرفته از بیانات آیت الله خامنه‌ای)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۳۰. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۲، تئوری‌های انقلاب اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۱. عیوضی، محمدرحیم، هراتی، محمد جواد (۱۳۹۴). تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، تهران، فروزش.
۳۲. غفاریان، وفا، مرتضی عمادزاده، ۱۳۸۵، معانی نوظهور در مفهوم استراتژی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.

